###### 28

###### آزاد.jpeg

###### دانشگاه آزاد اسلامي

######  واحد تهران مرکز

**موضوع:**

**بررسي موانع بهره گيري از تكنولوژي آموزشي در فرايند تدريس و يادگيري**

**فصل اول:(بيان مسأله و طرح پژوهش)**

**مقدمه**

**بيان مسأله**

**اهداف تحقيق**

**اهميت و ضرورت تحقيق**

**سؤالات ويژۀ تحقيق**

**تعريف عملياتی واژه ها**

**مقدمه :**

تکنولوژی آموزشی درعرصه های متعدد کارايي خود را نشان داده است. هر فرد، سازمان يا نهادی که از روشهای پيشنهادی علم تکنولوژي آموزشی بهره گرفته، بيش از پيش بر بهره وری و اثر بخشی خود افزوده است.

تکنولوژی آموزشی در آموزش و پرورش به سان چراغی است که درپيش پای روندگان راه آموزش نهاده است، تا با پرتوافکنی خود راههای ناشناخته و تاريک را روشن سازد.

در جهان1 امروز تکنولوژی آموزشی به مفهوم رويکردی بر چگونگی آموزش در ارتباط با اهداف توانسته است باتکيه بر اصول و يافته های علمی و به ويژه روانشناسی يادگيری ، ابزار وسائل در دسترس را،اعم از اشياء ساده ای همانند گچ و تابلوی کلاس و يا دستگاه پيچيدهای مانند کامپيوتر، برای بهينه کردن آموزش و بالا بردن کيفيت آن به خدمت گيرد و علاوه براين ، شيوه هايي نشان دهد كه دانش آموزان با مطالب درسي خلاقانه برخورد كنندو با راهنمايي معلمان خويش ، اقدام به تهيه و توليد برخي از مواد آموزشي مورد نياز نمايند و در اين راه علايق و مهارتهاي خود را بكار گيرند تا نتايج مطلوب از آموزش حاصل شود .

امورزه منظور از تكنولوژي آموزشي ديگر كاربرد مواد آموزشي نيست ، بلكه به معناي مهندس آموزشي ، طراحي و معماري آموزش است . به ديگر سخن مهندسي يك فرايند تعليم و تربيت است . بنابراين همانطور كه يك ساختمان نياز به طراح و مهندي و معمار دارد ، يك نظام آموزشي نيازمند تكنولوژي آموزشي است

-والتر، اي، ويتيچ- چارلز، اف، شولز، تكنولوژي آموزشي(ماهيت و كاربرد) ترجمه ايرج اعتماد، شيراز- رهگشا- 1373 ص9.

از طرف ديگر ، در زماني زندگي مي كنيم كه هيچ يك از معلمان به تنهايي قادر نيست با تغييرات موجود حتي در رشته هاي تخصصي پيش برود تنها جبران فاصله سرعت تحولات و عقب ماندگي هر انسان مددجويي از وايل مختلفي است كه تكنولوژي نوين در اختيار ما قرار داده است . لذا درمي يابيم كه اگر آموزش و پرورش برپايه علمي استوار نباشد هرگز به صورت فعاليتي ثمر بخش و موثر در نخواهد آمد و هميشه به شكل كاري بي نظام و آشفته باقي خواهد ماند ، به عبارت ديگر پايبند بودن به آموزش سنتي و بدون توجه به آخرين تغييرات و تحولات علمي تنها تنها نتيجاي كه مي تواند داشته باشد تربيت دانش آموزاني با سواد اندك و غير كاربردي است كه هيچ گونه تأثير مثبتي،نه در زندگي شخصي خود و نه در توسعه اقتصادي كشور نمي توانند داشته باشند.

از طرفي متأسفانه هنوز مفهوم تكنولوژي آموزشي در جامعه آموزشي و پرورشي كشور ما به درستي شناخته نشده هنوز هم شناخت عدهء زيادي از معلمان از تكنولوژي آموزشي، همان وسايل سمعي و بصري يا كمك آموزشي است، در حاليكه اطلاع از مفهوم جديد تكنولوژي آموزشي مستلزم مطالعه از تكنولوژي آموزشي ، نظريات تدريس، يادگيري ، تحليل هدفهاي آموزشي، كارايي و جايگاه رسانه ها در امر آموزش است. و بر اين اساس بايد مسؤلان آموزش و پرورش كشور و معلمان و دست اندركاران تعليم و تربيت ضروت و شناخت و استفاده از تكنولوژي آموزشي را بيش از هر زمان ديگر

احساس كنند. چرا كه پيشرفت سريع و تؤام با جهش هاي بلند در علوم تكنولوژي در قرن حاضر وظيفة بسيار سنگيني را در قياس با ادوار گذشته بر دوش همه مسؤلان اجتماعي در سطح تصميم گيري به ويژه بر عهدة مسؤلان آموزش و پرورش كشور قرار داده است.

(( همچنين تكنولوژي در صورتي مي تواند حلال مشكلات و راهگشاي مسايل آموزشي باشد كه روي همه ابعاد شامل نظام برنامه ريزي درسي، نظام ارزشيابي، نظام استخدام و تربيت معلم، سازمان مدرسه ها ، سازمان مديريت و برنامه ريزي آموزشي است ، نكته حائز اهميت اين است كه بدبيني بسياري از معلمان نسبت به استفاده از وسائل و روش هاي نوين آموزشي ، خود عامل بازدارنده اي است كه بايد باملاحظات حرفه اي به خوش بيني تبديل شود ، البته دركنار آماده سازي تجهيزات سخت افزاري مورد نياز براي استفاده از روش هاي مدرن آموزشي ، آماده سازي معلمان براي مهارت ورزي در اين زمينه نيز يكي از چالش هايي ست كه توسعه تكنولوژي آموزشي با آن روبروست ، بااين حال دركنار عوامل تسهيل كننده و اميدوار كننده هم وجود دارد براي مثال رايانه در آموزش ابزاري ست براي تقويت و چاشني آموزش از طريق سخنراني و يادگيري ازطريق گوش دادن براي تبديل دانايي به توانايي ، دانش آموز بايد نقش فعالي رادرفرايند يادگيري ايفا كند . او نبايد براي دريافت اطلاعات ، تنها به كتاب درسي و سخنراني معلم دركلاس اكتفا كند ازاين طريق كمتر مي تواند آموخته هاي خود را در موقعيت هاي جديد به كار گيرد و مشكلي را حل كند .اغلب معلمان دانش آموزان را به شيوه سخنراني ( الگوي شنيداري ) آموزش مي دهند . در حالي كه امروزه نتايج روانشناسي يادگيري نشان مي دهد كه دانش آموزان در كلاس به شيوه هاي گوناگون

 ( شنيداري ، ديداري ، جنبشي ) ياد مي گيرند . حال اگر معلمي به شيوه سخنراني آموزش بدهد اكثر دانش آموزان در گروه ديگر از رهنمودها و آموزش هاي كلاسي معلم محروم مي مانند و بي شك در يادگيري خود با مشكلاتي مواجه ميشوند . بنابراين براي فعال كردن دانش آموزان در كلاس در فرايند يادگيري ، معلمان بايد درشيوه هاي آموزشي خودتجديد نظر كنند . ( عادل يغما- مجله تكنولوژي آموزشي ) در نتيجه همانطور كه بالا گفته شد آموزش و پرورش نقش بسيار مهمي را در اين زمينه بر عهده دارد . اميدوارم با نگارش اين پايان نامه با عنوان « بررسي موانع يادگيري از تكنولوژي و وسايل كمك آموزشي در فرايند تدريس و يادگيري » توانسته باشم گامي هرچند ناچيز در جهت شناخت موانع و محدوديت هاي موجود در بكار گيري تكنولوژي آموزشي در فرايند تدريس و پيشرفت فرهنگ استفاده از تكنولوژي آموزشي در نظام تعليم و تربيت كشورمان برداشته باشم.

 انشاالله

 پژوهشگــــر

**بيان مسئله :**

تكنولوژي آموزشي در كشور ما تقريبا از دروس ناشناخته است ، با وجود تلاش هاي مسئولان آموزش و پرورش و بعضي از استادان من كه قدم هايي در اين راه برداشته اند ليكن در رابطه با شناخت تكنولوژي آموزشي و استفاده از آن در نظام كشورمان كمتر كار شده است و در نتيجه هنز هم شناخت عده زيادي از معلمان از تكنولوژي آموزشي همان وسائل سمعي و بصري يا وسايل كمك آموزشي است .

از طرفي دنيايي كه ما در آن زنگي مي كنيم پيوسته در حال تغيير است . پل لانكران1 در اين مورد چنين مي نويسد : « از يك دهه تا دهه ديگر ، انسان با چنان تغيير وسيع مادي، معنوي و اخلاقي در جهان روبرو مي شود كه تغييرهاي ديروز ديگر نمي توانند جوابگوي احتياجات امروز باشند، مضافاَ اينكه در اين مسابقة تغيير اغلب مغزها از تغيير سازمانها عقب مي مانند».

بنابراين آموزش و پرورش بايد قابليت يادگيري را در فراگيران ايجاد كند تا آنان بالقوه قادر به انطباق خود با شرايط حاصل از تغيرات مداوم دانش بشري باشند.از طرفي اين واقعيت را بايد پذيرفت كه ديگر عصر معلم به عنوان يگانه قادر مطلق و تنها نيروي صاحب اقتدار ياددهي برآمده و آموزش سينه به سينه، شيوه هاي سنتي تدريس و تكيه بر تئوري محض در يادگيري ، براي پاسخ گويي به زمينه هاي نامحدود پيش بيني نشده حاصل از تنوع تغيير در تحولات دانش بشري كارايي لازم را نداشته و جوابگوي ضرورتهاي آموزش زمان ما نيست، چرا كه شاگردان در عصر ما خارج از كلاسهاي درس در جريان فراگيري ناخداگاه وسايلي قرار مي گيرند كه تكنولو|ي آموزشي و تكامل مداوم آن به خدمت اجتماع گمارده است و به دنبال افزايش معلومات دانش آموزان سطح توقعات آنان از دانش و آگاهي معلمان به طور وسيعي بالا رفته است كه علاوه بر معلم، كتابخانه نيز به تنهايي نمي تواند منبع كسب اطلاعات دربارة همة علوم وفنون تازه دنيا آموزش و پرورش و نيازهاي آموزشي آنان باشد.

تنها راه غلبه بر اين بحرانها كه نظام آموزشي ما گريبانگير آن است ايجاد و بارور ساختن فرهنگ استفاده از تكنولوژي آموزشي و روش هاي نوين تدريس و طراحي منظم آموزش مي تواند تا حدودي ما را در رفع مشكلات ياد شده ياري نمايد.

با توجه به ضرورتهاي ياد شده و نياز مبرم و روزافزون نظام تعليم و تربيت كشورمان به تكنولوژي آموزشي، من نيز در اين تحقيق باتكيه بر تحقيقلت و يافته هاي علمي به بررسي موانع بهره گيري از تكنولوژي آموزشي در فرايند تدريس و يادگيري مي پردازم .

1-اطهري راد، علائالدين-نقش تكنولوژي آموزشي در تسهيل مديريت مدارس، مجله رشد و تكنولوژي آموزشي سال دهم، شماره 3 آذر ماه سال74-73

**اهداف تحقيق:**

**الف)** بررسي موانع بهره گيري از تكنولوژي و وسايل كمك آموزشي در فرايند تدريس و يادگيري از ديدگاه معلمان راهنمايي مرد و زن منطقه 15 شهر تهران **.**

**ب)** ارائه پيشنهادات و راهبردهاي عملي و كاربردي در زمينة رفع موانع و محدوديتهاي موجود در راه بهره گيري از تكنولوژي آموزشي در فرايند تدريس و يادگيري.

**اهميت و ضرورت تحقيق**

تكنولوژي آموزشي براي گسترش آموزش و پرورش و آموزش عالي نقش بسيار مؤثر، كارساز و انكارناپذيري دارد.با گسترش تكنولوژي و وسايل كمك آموزشي از جمله تلويزيون، ويدئو، ميكروسكوپ ساده و الكتريكي و ايستگاههاي آموزش فيزيك و وسايل آزمايشگاهي در مدرسه و دانشگاه ، امكان آموزش دانش آموز و دانشجو را مي توان بسيار بالا برد.

به عبارت ديگر ، بدون بهرهگيري از اين ابزارها و امكانات آموزشي ، رشد و توسعه با معيارهايي كه اكنون در جهان مطرح است ناممكن خواهد بود و اين سؤال مطرح مي شود كه آيا مي توان دانش آموزان را فقط با كتاب و معلم يعني تنها از راه تئوري آموزش داد.

در شرح تكنولوژي آموزشي مي توان گفت وقتي قرار است دانش و تكنيك بار ديگر جهان را متحول كند، ما كه خود را در راه تئسعه مي دانيم و مدام از ضرورت تحقيق هدفهاي فرهنگي، اقتصادي و اجتماعي آن داد سخن مي دهيم چگونه مي توانيم نقش تكنولوژي آموزشي را در تحول نظام آموزشي ناديده بگيريم و هم ابعاد و مفاهيم آن را بشناسيم . از طرفي نتايج به دست آمده از پژوهش هاي علمي نشان مي دهد كه دستاوردهاي آموزشي از نظر زماني دچار عقب ماندگي روز افزوني است و يگانه راه حل موجود توسعه هم جانب آموزش و پرورش است ، و در اين راستا همگام با تغيير نيازهاي آموزشي و اجتماعي فراگيران و رشد سريع جامعه، بايد برنامه ها ، روشها و وسايل آموزشي نيز دگرگون مي شوند ولي متأسفانه نظام آموزشي، مطابق با اين تغيير و نيازهاي متعدد آموزشي فراگيران پيش نمي رود.

تجربة شخصي در مدارس بيانگر اين واقعيت است كه اكثر معلمان نمي توانند و نمي خواهخند در فرايند تدريس به گونه اي سيستماتيك و از روي برنامه هاي از قبل تعيين شده بر خورد نمايند، به بيان روشن آنها تقريباَ در هر درسي و در هر كلاسي به ارائة مطالب و اطلاعات آن هم به روش سخنراني و با استفاده از حداكثر گچ و تخته كلاس مي پردازند در يك بررسي ساده در سال

 78-77 از تعداد 27 مدرسة راهنمايي در شهر تهران كه مورد بازديد قرار گرفتند، مشخص شد كه در 19 مدرسه مورد بازديد و سايلي از قبيل اورهد، پروژكتور، اسلايد، فيلم استريپ موجود بوده، ولي از حدود 7 سال پيش به اين سو به جز در موارد محدود عملاَ مورد استفاده قرار نگرفته اند در حالي كه تكنولوژي آموزشي مي تواند بازده آموزش را از لحاظ كمي و كيفي افزايش دهد و به آموزگار كمك كند تا از وقت محدود خود كه در اختيار دارد حداكثر بهره را ببرد مثلاَ: به كارگيري اصول تكنولوژي در يكي از مراكز آموزشي توانسته است زمان لازم آموزش افراد را 28% كاهش دهد، و در مجموع چيزي در حدود كل وقت لازم براي آموزش 235 نفر از افراد يك لشگر صرفه جويي كند.(پازوكي 1371)

دربيان اهميت موضوع مضافاٌ اينكه امروزه سرعت اكتشافات و روش هاي علوم كاربردي چنان افزايش يافته است كه آموخته هاي دانشجوي يك رشته علمي هنوز فارغ التحصيل نشده كهنه مي شود آيا در چنين موقعيتي تربيت نسل جوان با همان روش هاو برنامه هاي آموزشي معمولي و سنتي مقرون به صرفه است ؟ آيا روش هاي آموزشي و برنامه درسي موجود دانش آموزان فرد را چنان تربيت مي كند كه آموخته هاي آنان براي جامعه امروز و فردا مؤثر باشد ؟ به نظر مي رسد كه مواد و محتواي درسي ، روشها و امكانات آموزشي، نظام ارزشيابي و امتحانات بايد به طور كلي نوسازي شود و اين كار از طريق تعريف و تشريح فسفه و اهداف آموزشي هر يك از رشته هاي علمي درسي ، به ويژه علوم و رياضيات در جهت كاربردي عملي نيست .

اگر مي خواهيم علم و تكنولوژي در كشور ما درون زا شود و پيشرفت آموزشي و اقتصادي و اجتماعي ما برپايه ارزش هاي خودمان استوار شود بايد اين كار را آگاهانه و در چارچوب برنامه هاي پيش بيني شده به طور جدي از آموزش و پرورش شروع كنيم و براساس امكانات و شرائط خاص خود بهتربيت انسان هايي با صلاحيت و ذهن پر با بپردازيم كه بتوانند مسائل را بررسي كنند و براي يافتن را حل هاي مناسب تلاش كنند و در برابر تغييرات غيرقابل پيش بيني توان مقابله داشته باشند ، و درست را از نادرست و سره از ناسره تشخيص دهند .

تحقق اين امر مستلزم آنست كه آموزش در مدارس برروش هاي علمي مبتني باشد و ارائه مطالب درسي و انتقال يافته ها علمي به دانش آموزان با شيوه هاي نوين انجام گيرد و فرهنگ استفاده از تكنولوژي را در جامعه آموزشي كشورمان بسط و گسترش دهيم و در وصول به اهداف تربيتي مطلوب از همه امكاناتي كه دراختيار داريم مدد جوييم ، و نهايتاَ تكيه عواملي را كه روي تدريس اثر مي گزارند شناسايي نمود كه از جمله اين عوامل مهم شناسايي و رفع محدوديت ها و موانع در بكارگيري تكنولوژي آموزشي در فرايند آموزش مي باشد .

**سؤالات ويژة تحقيق**

سؤال1 ) آيا جنسيت معلمان يكي از علل موانع بهره گيري از تكنولوژي آموزشي در فرايند تدريس و يادگيري مي گردد ؟

سؤال 2 ) آيا ميزان تحصيلات معلمان مانع بهره گيري از تكنولوژي آموزشي در فرايند تدريس و يادگيري مي گردد؟

سؤال3 ) آيا بي علاقگي معلمان نسبت به استفاده از وسايل كمك آموزشي مانع بهره گيري از تكنولوژي آموزشي در فرايند تدريس و يادگيري مي گردد؟

سؤال4 ) آيا فقدان كلاس هاي ضمن خدمت مفيد مانع بهره گيري از تكنولوژي آموزشي در فرايند تدريس و يادگيري مي گردد؟

سؤال5 ) آيا شيوه امتحانات و ارزشيابي درسي دانش آموزان كه تاكيد بر محفوظات دارد مانع بهره گيري از تكنولوژي آموزشي در فرايند تدريس و يادگيري مي گردد؟

سؤال6 ) آيا ميزان بودجه اي كه آموزش و پرورش براي تهيه وسايل در اختيار مديران قرار مي دهد مانع بهره گيري از تكنولوژي آموزشي در فرايند تدريس و يادگيري مي گردد؟

سؤال7 ) آيا عدم آگاهي معلمان از نقش رسانه ها و وسايل كمك آموزشي مانع بهره گيري از تكنولوژي آموزشي در فرايند تدريس و يادگيري مي گردد؟

سؤال8 ) آيا عدم همكاري مدير مدرسه در خصوص استفاده از رسانه ها و وسايل كمك آموزشي مانع بهره گيري از تكنولوژي آموزشي در فرايند تدريس و يادگيري مي گردد؟

سؤال9 ) آيا عدم همكاري راهنمايان تعليماتي در بكارگيري تكنولوژي آموزشي مانع بهره گيري از تكنولوژي آموزشي در فرايند تدريس و يادگيري مي گردد؟

سؤال10 ) آيا دسترسي نداشتن معلمان به رسانه ها و كمبود وسايل كمك آموزشي مانع بهره گيري از تكنولوژي آموزشي در فرايند تدريس و يادگيري مي گردد؟

سؤال11 ) آيا بي توجهي دست اندركاران مدارس به تشويق و ترغيب معلماني كه از رسانه ها و وسايل كمك آموزشي در امر آموزش استفاده مي كنند مانع بهره گيري از تكنولوژي آموزشي در فرايند تدريس و يادگيري مي گردد؟

سؤال12 ) آيا كمبود مديران متخصص در رابطه با هدايت معلمان به استفاده از رسانه ها و وسايل كمك آموزشي مانع بهره گيري از تكنولوژي آموزشي در فرايند تدريس و يادگيري مي گردد؟

سؤال13 ) آيا شيوه ارزشيابي نادرست از عملكرد معلمان مانع بهره گيري از تكنولوژي آموزشي در فرايند تدريس و يادگيري مي گردد؟

سؤال14 ) آيا كمبود وقت براي تدريس كتب درسي مانع بهره گيري از تكنولوژي آموزشي در فرايند تدريس و يادگيري مي گردد؟

سؤال15 ) آيا تاكيد مدير مدرسه بر نظم سنتي در كلاس ها مانع بهره گيري از تكنولوژي آموزشي در فرايند تدريس و يادگيري مي گردد؟

سؤال16 )آيا نبود نظارت مسئولان در مورد استفاده كردن يا نكردن معلمان از تكنولوژي آموزشي مانع بهره گيري از تكنولوژي آموزشي در فرايند تدريس و يادگيري مي گردد؟